



نسخه تلفن همراه

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و  
على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيما بقيه الله في الارضين.

اجتماع بسیار عظیم و پرشکوهی است که برای احترام به یاد عزیز امام بزرگوارمان در اینجا  
تشکیل شده است؛ در بسیاری از مناطق دیگر کشور هم شبیه این اجتماع به خاطر یاد امام  
و به خاطر عشق به امام بزرگوار تشکیل شده.

## ● بهره‌ی فراوان معنوی امام از ماه پربرکت شعبان

روزهای پایانی ماه پربرکت شعبان است. به گمان زیاد امام بزرگوار از این ماه، بهره‌ی فراوان  
معنوی میبردند. قرائن نشان میدهد که آن دل نورانی به برکت این ماه بر نورانیت خود  
می‌افزود. این فقره‌ی معروف دعای مناجات شعبانیه: الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و  
انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک، (۱) از جملاتی بود که در بیانات امام تکرار میشد؛ مکرر در  
سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون، این فقره‌ی از دعا را میخواندند. این نشان دهنده‌ی این

است که این بزرگوار به این مناجات و به این مضامین و به این آیام بابرکت اُنس داشتند. بنده هم که یک وقتی از ایشان سؤال کردم راجع به دعاها، یکی از دعاهایی که ایشان تکیه کردند بر روی آن و ترجیح میدادند آن دعا را، همین مناجات شعبانیّه بود. فقرات مهمّی در این دعاهست که از جمله این فقره است: اَللّٰهُمَّ هَبْ لِيْ قَلْبًا يُّدِنِيْهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَ لِسَانًا يُّرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَ نَظْرًا يُّقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ؛ (۲) دل پرشوقی که به بارگاه قرب الهی نزدیک میشود؛ زبان صادقی که صدق آن موجب تقرب به پروردگار میگردد؛ نگاه حق‌نگری که موجب میشود انسان به خدای متعال نزدیک‌تر شود. این خصوصیات در این دعای شریف و در این مناجات، از خدای متعال خواسته شده است؛ اینها برای مادر است. و امام بزرگوار کسی بود که با این درسها، در همه‌ی عمر مانوس بود و به برکت همین اُنس و به برکت همین آشنایی با مراتب حق و حقیقت و تقرب به پروردگار، خدای متعال این قدرت را به او بخشید که بتواند این حرکت عظیم و ماندگار را انجام بدهد.

### ● عنوان جامع «مؤمن متعبد انقلابی»، برای امام

درباره‌ی امام بزرگوار میخواهیم حرف بزنیم. یکی از عناوین و اوصافی که درباره‌ی امام راحل عظیم‌الشأن ما، کمتر به کار رفته است و کمتر از این عنوان استفاده کرده‌ایم، عبارت است از یک عنوان جامع که من این جور تعبیر میکنم: مؤمن متعبد انقلابی. ما امام را با صفات متعددی همواره توصیف میکنیم اما این صفت - که ما کمتر امام را با آن توصیف کرده‌ایم - یک صفت جامع است؛ مؤمن است، متعبد است، انقلابی است.

مؤمن: یعنی مؤمن به خدا است، مؤمن به هدف است، مؤمن به راهی است که او را به این هدف میرساند، و مؤمن به مردم است. يُّؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَ يُّؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ؛ (۳) درباره‌ی رسول اکرم هم این تعبیر در قرآن آمده است: مؤمن به خدا، و مؤمن به هدف، و مؤمن به راه، و مؤمن به مردم.

عبد است، متعبد است؛ یعنی خود را عبد میدانند در مقابل پروردگار؛ این هم صفت بسیار مهمی است. شما ملاحظه کنید، خدای متعال در قرآن، پیغمبر اکرم را با صفات متعددی ستوده است: **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ**، (۴) **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ**؛ (۵) و صفات متعددی دیگر که هر کدام از اینها یک فصل فراوانی از خصوصیات پیغمبر را بیان میکند؛ ولی آن صفتی که به ما مسلمانها دستور داده شده است که هر روز درباره‌ی پیغمبر در نمازهایمان تکرار کنیم این است که **«أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»**؛ این نشان دهنده‌ی اهمّیت عبودیت است؛ عبد بودن آن چنان برجسته است که خدای متعال این صفت را به مسلمانان تعلیم میدهد که در نماز خود، هر روز چند مرتبه تکرار کنند؛ امام دارای این صفت بود، صفت عبودیت؛ اهل خشوع بود، اهل تضرّع بود، اهل دعا بود؛ مؤمن متعبد.

اما صفت سوم، یعنی مؤمن متعبد انقلابی؛ این، آن نقطه‌ای است که مایلیم بر روی آن تکیه کنم و درباره‌ی آن سخن بگوییم. امام، امام انقلاب بود.

## ● **هراس و غضب دشمنان از امام و از ملت ایران، به خاطر انقلابیگری**

انقلاب یک کلمه است و در دل آن حقایق بی شماری وجود دارد؛ امام انقلاب یعنی پیشوای همه‌ی این خصوصیات که کلمه‌ی انقلاب متضمّن آن است. قدرتهای مادی هم که نسبت به امام همواره غضبناک بودند، عصبانی بودند و البته میهراسیدند از امام بزرگوار، بیشتر به خاطر این صفت بود: صفت انقلابیگری امام؛ با این خصوصیت او دشمن بودند. امروز هم دشمنان ملت ایران با خصوصیت انقلابیگری او خصومت دارند و دشمنند. اساساً قدرتهای مادی از کلمه‌ی انقلاب وحشت میکنند؛ از کلمه‌ی «انقلاب اسلامی» وحشت میکنند، میهراسند، میرمند. فشارهایی هم که وارد میکنند، به خاطر انقلابیگری است؛ شرح خواهیم داد که انقلابیگری متضمّن چه مفاهیم و معانی و خطمشی‌هایی است؛ حق دارند که بترسند. فشارها البته با بهانه‌های مختلف وارد میشود؛ گاهی با بهانه‌ی هسته‌ای،

گاهی با بهانه‌ی حقوق بشر و بهانه‌هایی از این قبیل، اما حقیقت قضیه عبارت است از همین که دشمنان ملت ایران و دشمنان ایران اسلامی از خصوصیت انقلابی‌گری و اهمیت دارند و نگرانند. در همین اواخر، در چند ماه قبل از این، یک سیاستمدار آمریکایی گفت: ایران به خاطر انقلاب اسلامی تحریم است؛ اصل تحریم مربوط به انقلاب ۱۹۷۹ - یعنی انقلاب سال ۵۷ - است! این یک حقیقت است.

## ● علت مخالفت دشمنان با انقلاب: راندن دشمنان و الهام بخشیدن به ملت‌های دیگر

علت چیست؟ چرا با انقلاب مخالفند؟ علت این است که این کشور بزرگ و پهناور، این کشور پربرکت، این کشور ثروتمند - که هم ثروت طبیعی دارد، هم ثروت انسانی دارد - یکپارچه در قبضه‌ی قدرت آنها بود، در اختیار آمریکا بود؛ انقلاب آمد آنها را از این کشور بیرون کرد؛ دشمنی با انقلاب به خاطر این است؛ انقلاب آنها را راند. علاوه بر این، الهام بخش دیگران هم شد. انقلاب اسلامی ایران که به وسیله‌ی مردم این کشور به وجود آمد و ادامه پیدا کرد، الهام بخش ملت‌های دیگر شد؛ که این در جای خود بحث مفصلی است و دلایل بی شماری هم بر آن وجود دارد.

## ● تأثیر انقلاب در نجات کشور از منجلا بهای وابستگی، عقب ماندگی، فساد سیاسی، فساد اخلاقی و حقارت بین المللی

امام انقلابی ما کشور را از منجلا بهای بیرون کشید؛ به وسیله‌ی انقلاب، کشور را از منجلا بهای متعددی خارج کرد. جوانهای عزیز ما که دوران قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند، لمس نکرده‌اند، باید درست دقت کنند و توجه کنند که مسئله این است، مسئله‌ی اساسی این است. اگر یک ملتی مسئله‌ی اساسی خود را نداند، گمراه میشود. مسئله این است که انقلاب اسلامی آمد این کشور را از منجلا بهای نجات داد؛ از منجلا بهای وابستگی، از منجلا به



عقب ماندگی، از منجلاب فساد سیاسی، از منجلاب فساد اخلاقی، از منجلاب حقارت بین المللی. ما گرفتار این چیزها بودیم؛ ما، هم وابسته بودیم، هم تحقیر شده بودیم، هم عقب افتاده و عقب نگه داشته شده بودیم؛ در علم، در اقتصاد، در فناوری، در حضور بین المللی، در همه چیز ما را عقب نگه داشته بودند. عوض همه‌ی اینها، ما آقابالاسر آمریکایی و انگلیسی داشتیم. آن روزها ما چهار برابر امروز نفت صادر میکردیم؛ جمعیت کشور هم از نصف امروز کمتر بود، در عین حال اکثر نقاط این کشور از خدمات عمومی دولتی که بر عهده‌ی دولت‌هاست محروم بودند؛ کشور در فقر و عقب افتادگی دست و پا میزد؛ در فساد اخلاقی دست و پا میزد. در همه‌ی زیرساخت‌های کشور - راه، آب، برق، گاز، مدرسه، دانشگاه، خدمات شهری - کشور دچار آفت بود، دچار عقب افتادگی و عقب ماندگی بود، دچار تهیدستی بود؛ ثروتهای طبیعی کشور را در اختیار بیگانگان می گذاشتند و دستگاه حاکمه بهره‌مند میشدند و مردم را یا با فریب، یا با زور و ارعاب، ساکت نگه میداشتند؛ اما خب دل‌های مردم پُر بود، واقعیات را میدیدند؛ و نتیجه، دنباله‌روی از آن فریاد ربّانی و الهی امام بزرگوار شد که انقلاب را به راه انداخت.

## ○ تغییر مسیر ملت ایران از سوی امام به سمت هدفهای بزرگ، با «حاکمیت دین خدا»

امام بزرگوار ما مسیر را عوض کرد و یک تغییر بزرگ انجام گرفت؛ [امام] مسیر ملت ایران را تغییر داد، ریل را عوض کرد؛ ما را به سمت هدفهای بزرگ حرکت داد. این هدفها که انقلاب و امام انقلاب، ما را به سمت این هدفها حرکت دادند و جامعه‌ی ایرانی را به این سمت رهنمون شدند، فوق العاده حائز اهمیت است. این هدفها خلاصه میشود در حاکمیت دین خدا. حاکمیت دین خدا به معنی عدالت اجتماعی به معنای واقعی است، به معنای ریشه کنی فقر است، به معنای ریشه کنی جهل است، به معنای ریشه کنی استضعاف است؛ حاکمیت

دین خدا به معنای برقراری منظومه‌ی ارزشهای اسلامی است، [به معنای] ریشه‌کنی آسیب‌های اجتماعی است، [به معنای] تأمین سلامت جسمی و سلامت اخلاقی و معنوی و پیشرفت علمی کشور است، [به معنای] تأمین عزت ملی و هویت ملی ایرانی و تأمین اقتدار بین‌المللی است، [به معنای] فعال کردن ظرفیتهایی است که خداوند در این سرزمین قرار داده است؛ اینها همه در حاکمیت دین خدا مندرج است و امام ما را به این سمت حرکت داد؛ درست نقطه‌ی مقابل آن راهی که در رژیم طاغوت ما را به آن سمت میکشاندند و میبردند.

## ○ شرط رسیدن به هدفهای انقلاب، ماندن قطار جامعه‌ی اسلامی در ریل انقلاب

خب، این هدفها که قطار جامعه‌ی اسلامی به برکت انقلاب به سوی آن هدفها حرکت کرد، هدفهای دور از دسترسی هستند، زمان بَرند، احتیاج به گذشت زمان دارند، احتیاج به تلاش دارند، لکن دسترسی به همه‌ی اینها ممکن است به یک شرط؛ آن شرط این است که قطار در همین ریل پیش برود؛ در ریل انقلاب. امام راه را به ما نشان داد، معیارها و شاخصها را به ما نشان داد، هدفها را برای ما مشخص کرد و خود او حرکت را آغاز کرد. ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کرده‌ایم اما هنوز تا آن هدفها فاصله بسیار زیاد است. میتوانیم به آن هدفها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام، قطار جامعه‌ی اسلامی را به حرکت درآورد. بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هر جا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هر جا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی

مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرداهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرر در مواردی میگفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد. سخن باقی است؛ حرف در این زمینه فراوان و حرفهای لازم زیاد است.

## ○ انقلاب، سرمایه‌ی ممتاز و منحصر به فرد کشور ما و ملت ما

توجه بفرمایید (۶) که من از این فرصت استفاده میکنم و به شما و به ملت ایران عرض میکنم که عزیزان من! انقلاب، سرمایه‌ی ممتاز و منحصر به فرد ملت ما و کشور ما است. برای به دست آوردن انقلاب هزینه داده‌ایم؛ هزینه‌های سنگینی هم پرداخت شده است اما صدها برابر آن هزینه‌ها، منافع وجود دارد؛ این یک تجارت پرسود است برای ملت. بله، هشت سال جنگ هزینه بود، شورشها هزینه بود، تحریمها هزینه بود - اینها همه هزینه‌ی انقلاب است - اما صدها برابر این هزینه‌ها، سود در این راه وجود دارد؛ هزینه‌ها و منافع و سودها از اول با هم همراه بودند؛ هم هزینه دادیم، هم سود بردیم. در جنگ، جوانان ما رفتند و به شهادت رسیدند اما ملت و مجموعه‌ی جوان کشور دستاوردهای بزرگی را از همان جنگ پر هزینه به دست آوردند. از اول، این هزینه‌ها و منافع با هم همراه بوده‌اند، منتها هر چه جلو آمدیم، هزینه‌ها سبک‌تر و قابل تحمل‌تر، اما منافع کلان‌تر و بیشتر شده است. امروز روزی است که ما میتوانیم، ملت ایران میتواند بدون اینکه هزینه‌ی زیادی را متحمل بشود، منافع بزرگی

راز انقلاب به دست بیاورد؛ امروز این توانایی وجود دارد. انقلاب ریشه دوانده است، درخت نظام اسلامی مستحکم شده است، حقایق بسیاری روشن شده، راهکارهایی به وجود آمده؛ امروز اوضاع برای ملت ایران روشن تر و زمینه آماده تر و راه هموارتر است از گذشته؛ هزینه هست، باز هم هست اما هزینه‌ها سبک تر و قابل دفع تر و قابل اجتناب تر از گذشته است.

## ● لزوم انقلابی ماندن همه‌ی مردم و مسئولان برای ادامه‌ی راه و موفقیت در آن

این نکته‌ی مهمی است: این انقلاب با کودتا به وجود نیامد، با حرکت نظامی به وجود نیامد؛ مثل بعضی از انقلابها که یک عده افسر نظامی رفتند یک حکومتی را برداشتند، حکومت دیگری به جایش گذاشتند؛ نه، این انقلاب به وسیله‌ی مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو و هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که نترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه‌ی شریفه شدند: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۷) مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله میکنیم، مدام گفتند تحریم میکنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند - که شاخصهایی را عرض خواهیم کرد - و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.



## ○ سه خطادر مورد انقلابیگری:

### ۱. تصوّر وابستگی انقلابیگری به حضور در دوران امام و انقلاب

این خطا است که گمان کنیم انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام بوده است، یاد در دوران مبارزات در کنار امام بوده است؛ نه، بعضی کآنه این جور خیال میکنند که انقلابیون آن کسانی هستند که در دوران امام یا در دوران مبارزات یا در دوران حکومت امام بزرگوار حضور داشتند، در کنار امام بودند؛ نه، اگر معنای انقلابی را این بگیریم، انقلابی همین ما پیروپاتالها خواهیم بود. انقلاب مال همه است؛ جوانها انقلابی اند و میتوانند انقلابی باشند، با آن معیارها و شاخصهایی که عرض خواهم کرد. میتواند یک جوان امروز از من سابقه دار در انقلاب، انقلابی تر باشد؛ همچنان که در دوران دفاع مقدّس دیدیم کسانی بودند که جان خودشان را کف دست گرفتند در راه این انقلاب و در راه انفاذ (۸) فرمان امام به جبهه رفتند، جانشان را فدا کردند؛ انقلابی صد درصد، انقلابی کامل، آنها هستند؛ آنهایی که آماده ی فداکاری اند؛ پس ما نباید انقلابی را منحصر کنیم به یک عده ای که در دوران مبارزات با امام بودند یا امام را می شناختند یا در کنار او بودند؛ نه، انقلاب یک شطّ جاری است و همه ی کسانی که در طول تاریخ با این ممیّزات حضور دارند و تلاش میکنند انقلابی اند، ولو امام را ندیدند؛ مثل اغلب شما جوانها.

### ۲. تصوّر هم ارزی انقلابیگری با افراطی بودن

این هم خطا است که ما خیال کنیم اگر گفتیم فلانی انقلابی است، یعنی فلانی افراطی است؛ یا وقتی می خواهیم اشاره کنیم به انقلابی ها و انقلابیون، تعبیر افراطی را به کار ببریم؛ نه، این خطا است. انقلابیگری به معنای افراطی بودن نیست. این دو گانه هایی که سوغات بیگانه ها و حرف دشمنان ایران است، نباید در ایران و در فرهنگ سیاسی ما جا باز کند؛ آنها تقسیم میکنند مردم را به تندرو و میانه رو. بحث تندرو و کندرو نداریم. انقلابی را

میگویند تندرو، غیر انقلابی را میگویند میانه‌رو! این یک دوگانه‌ی بیگانه است، آنها اینها را در رادیوهایشان، در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان تکرار میکنند، ما این را نباید تکرار کنیم. انقلابی، انقلابی است.

### ۳. توقع یکسان از همه‌ی انقلابیون

این هم خطا است که ما از همه‌ی کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی توقع داشته باشیم؛ یا یک درجه‌ی از انقلابیگری توقع داشته باشیم؛ نه. به قول ما طلبه‌ها انقلابیگری مقول به تشکیک است. ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند اما در همان راه دارد حرکت میکند. اینکه ماهر کسی خوب حرکت نکرد یا به طور کامل حرکت نکرد، را متهم نکنیم به غیر انقلابی یا ضد انقلابی این هم خطا است؛ نه، ممکن است یک نفری صد درجه میزان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد اما همه در این راه حرکت میکنند. مهم این است که آن شاخصها تطبیق بکند. مهم شاخصها است. مهم این است که آن کسی هم که با آن شدت و با آن جدیت حرکت نمیکند، شاخصهای انقلابیگری را داشته باشد. اگر این شاخصها وجود داشت، آن وقت طرف انقلابی است، فرد انقلابی، مجموعه‌ی انقلابی، دولت انقلابی، سازمان انقلابی؛ عمده این است که شاخصها را بشناسیم.

### ○ پنج شاخص از شاخصهای انقلابیگری:

#### ۱. پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی اسلام و انقلاب

برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها میشود خصوصیات را گفت لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابیگری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم،

هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمیکند؛ این شاخصها در همه‌ی افراد مملّت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهیم داد [عبارتند از]: شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها که آرمانهای انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آنها داشته باشیم؛ شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم (۹) - شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان طور که عرض کردیم، مختلف است. من برای هر کدام از اینها یک توضیح کوتاه و مختصری میدهم.

## ○ مبانی پایبندی به ارزشهای اساسی انقلاب و اسلام:

### آ. پایبندی به اسلام ناب

عرض کردیم که شاخص اول، پایبندی به ارزشهای مبانی و اساسی اسلام است. بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم؛ مبانی اساسی ما اینها است. مبانی اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر،

یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و میکنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی میکنند، یک جاهایی آنها را کمک میکنند؛ اسلام ناب در مقابل آنهاست؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل میشود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین میکند، هم تکلیف ما را در جامعه معین میکند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین میکند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پابند بود.

### ب. محور بودن مردم

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه میکنیم، ترکیب آن میشود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و، به معنای واقعی کلمه، باید به این معتقد بود.

### ج. اعتقاد به پیشرفت و تحوّل و تکامل با محیط

یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحوّل، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحوّل و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روز به روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خیره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راههای

نورا دارند؛ نیمه سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.

## د. حمایت از محرومان و مظلومان عالم

حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزشهای اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. اینها ارزشهای اساسی انقلاب است؛ از اینها نمیشود صرف نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.

خب، اگر این پایبندی به ارزشهای اساسی وجود داشت - که این شاخص اول بود - حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمیکند. اما اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پایبندی، عمل گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ی انسان را به یک طرف کشاندن:

میکشد از هر طرف، چون پر کاهی مرا  
وسوسه‌ی این و آن، دمدمه‌ی خویشتن

این میشود عمل گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پایبندی. در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزشها را «استقامت» نام نهاده‌اند: فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ (۱۰) - آیه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَالَّا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ؛ (۱۱) در تعبیر قرآنی، اسم این پایبندی به مبانی و ارزشها استقامت است.



## ۲. داشتن همت بلند برای رسیدن به آرمانهای انقلاب

شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمانها، صرف نظر نکردن از آرمانها و منصرف نشدن از هدفهای بزرگ [است]. نقطه‌ی مقابل آن، تنبلی و محافظه کاری و ناامیدی است. بعضی سعی میکنند جامعه را و جوانهای ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند «آقا فایده‌ای ندارد، نمیشود، نمیرسیم؛ چه جوری ممکن است با این همه مخالفت، با این همه دشمنی»؛ این نقطه‌ی مقابل آن شاخص دوم است. شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها. البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد میکند؛ اما این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه‌ی حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. بنده بارها تکرار کرده‌ام؛ جوانها باید به سمت پیشرفت حرکت کنند؛ به سمت تحوّل مثبت حرکت کنند؛ اینکه ما به همان چیزی که داریم قانع بشویم - فرض کنید ما در زمینه‌ی علمی به یک پیشرفتهایی رسیده‌ایم که البته مورد قبول همه‌ی دنیا است؛ قبول دارند که ما پیشرفت کرده‌ایم - اگر به همین اندازه قانع شدیم، عقب خواهیم ماند؛ عقب خواهیم رفت؛ نه، راه پیشرفت تمام‌شدنی نیست؛ باید رفت تا رسید به آرمانهای بلند.

## ۳. پایبندی به استقلال در زمینه‌های مختلف:

### آ. سیاسی

شاخص سوم عرض کردیم پایبندی به استقلال است. این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در همه‌ی این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.

معنایش این است که ما در زمینه‌ی سیاسی فریب نخوریم؛ دشمنی که هدفش این است

که دولت‌ها و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توصل می‌جوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه مینویسند که شما بیایید - با ما که آمریکا هستیم - مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ در این قالب با انسان حرف می‌زنند؛ انسان در اینجا ممکن است دچار وسوسه بشود که برویم با یک ابرقدرتی در حل مسائل بین‌المللی همکاری کنیم؛ در ادبیات نامه‌نگاری رسمی دیپلماتیک، این جوری حرف زده می‌شود اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیاید در نقشه‌ی من، بیاید در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین میکند. شما بیایید این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا کند. اینکه مادر قضایای منطقه، در قضیه‌ی سوریه، در قضایای شبیه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح آمریکایی وارد بشویم - با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند - علت این است. آنها یک نقشه‌ای دارند، یک هدفی را ترسیم کرده‌اند، مایلند به آن هدفها برسند و البته مایلند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی؛ اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آنها بشود، معنایش این است که جدول کاری آنها را پر کرده است؛ معنایش این است که نقشه‌ی آنها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این بظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت اما ضد استقلال سیاسی است.

## ب. فرهنگی

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از

این مفصل صحبت کردم؛ (۱۲) سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه‌ی مسائل گوناگون را شامل میشود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار میکند؛ همین مسئله‌ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمیخواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، اینها ابزارهایی هستند که میتوانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمیتوانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور است، اینها را نمیشود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه‌ی فرهنگی دشمن است.

## ج. اقتصادی

و استقلال اقتصادی - به‌طور خلاصه - هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است. ببینید، آنها خودشان - آمریکایی‌ها - در همین قضایای بعد از مذاکرات هسته‌ای گفتند معامله‌ی هسته‌ای باید موجب بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه‌ی جهانی ادغام بشود؛ ادغام! ادغام یعنی چه؟ اقتصاد جامعه‌ی جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه‌ی جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابداً. اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه‌ی دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه‌ی دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه‌ی جهانی و اقتصاد جهانی است.

اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. در تحریم هم مقصود آنها یک هدف اقتصادی بود؛ تحریم هم که کردند ما را، خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که این تحریم برای فلج کردن اقتصاد ایران است. حالا مذاکرات هسته‌ای هم که انجام گرفته است، به یک نتایجی منتهی شده است، اینجا هم باز هدفشان اقتصادی است؛ یعنی از جمله‌ی اهدافشان اقتصاد است؛ یعنی بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سردمدار آن هم آمریکا است.

## ○ تنها راه استقلال اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی

استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید؛ که امسال ما گفتیم: «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل». خوشبختانه دولت محترم، اقدام و عمل را شروع کردند و طبق گزارشی که به من دادند، کارهای خوبی انجام گرفته است. اگر با همین قوت و با همین شیوه ادامه پیدا کند و جداً پیش برود، یقیناً آثار آن را مردم خواهند دید؛ اقتصاد مقاومتی. همه‌ی تصمیم‌های بزرگ اقتصادی باید در ضمن اقتصاد مقاومتی تعریف بشود. فرض کنید ما با فلان کشور قرارداد معاملاتی بازرگانی یا صنعتی می‌بندیم؛ باید معلوم بشود که این در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. اینکه ما خیال کنیم رونق اقتصاد کشور صرفاً با سرمایه‌گذاری خارجی تأمین میشود، خطا است. سرمایه‌گذاری خارجی البته چیز خوبی است اما این یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را پر میکند. مهم‌تر از سرمایه‌گذاری خارجی، فعال کردن ظرفیتهای درونی و داخلی است. ما ظرفیتهای فعال نشده‌ی فراوانی داریم که اینها را بایستی فعال کنیم؛ این مهم‌تر است. آن هم البته لازم است در کنار این وجود داشته باشد، اما اینکه ما همه چیز را موکول کنیم به اینکه خارجی‌ها بیایند اینجا سرمایه‌گذاری کنند، نه. گاهی گفته میشود که فناوری‌های نورامی آورند؛ خیلی خوب، عیبی ندارد؛ موافقیم

که فناوری نور را بیاورند؛ [البته] اگر بیاورند! اگر هم نیاورند، من گفتم که این جوانان ما که در زمینه‌ی نانو پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی ساختمانی فناوری پیچیده پیشرفت کرده‌اند، در بسیاری از زمینه‌ها جزو پنج، شش، ده کشور اول دنیا قرار گرفته‌اند، اینها نمیتوانند چاه‌های نفت ما را به تولید بهتر برسانند؟ یا پالایشگاه‌های ما را اصلاح کنند؟ یا فرض بفرمایید که بخش‌های دیگری را که مورد نیاز ما است که محتاج فناوری جدید خارجی هستیم [درست کنند]؟ البته اگر این فناوری در معاملات ما با خارجی‌ها منتقل بشود، ما با این موافقیم و مخالفتی نداریم.

توجه بکنید! امروز در دنیا تحلیلگران حساس مسائل اقتصادی و سیاسی بر روی اقتصاد مقاومتی کشور ما شرط‌بندی میکنند؛ این قدر مهم است، این قدر حساس است. بر روی اینکه آیا این اقتصاد مقاومتی که ایران مطرح کرده است، به نتیجه میرسد یا نمیرسد، تحلیلگران بحث میکنند، شرط‌بندی میکنند! این قدر این اهمیت دارد. بنابراین «استقلال» به این معنا است. این شاخص سوم بود که عرض کردیم.

#### ۴. حساسیت در برابر دشمن

شاخص چهارم: حساسیت در برابر دشمن. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم. آن کسانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه بودند میدانند که آنجا کسانی در قرارگاه‌ها بودند که به وسیله‌ی عوامل خودشان هر حرکت کوچک دشمن را دنبال میکردند، رویش حساس میشدند: فرض بفرمایید امروز دشمن این جابه‌جایی را انجام داده است؛ این برای چیست، چرا انجام داده است؛ علت یابی میکردند. حساس در مقابل حرکات دشمن. دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرف‌های او، اظهارات او حساس باشیم؛ و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حساسیت در



مقابل دشمن است.

خب، نقطه‌ی مقابل این حساسیت چیست؟ نقطه‌ی مقابل یکی این است که بعضی اصل دشمن را انکار میکنند. وقتی ما میگوییم دشمن داریم، میگویند «آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه». خود این مطرح کردن توهم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیتها را کم کنند [میگویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار میکنند. میگوییم آمریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا میکند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین - مثل فلسطین و امثال فلسطین - است؛ این طبیعت نظام سلطه است. شما الان ببینید آمریکا و انگلیس، قریب صد سال است که دارند بر مردم فلسطین فشار می‌آورند - چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، چه بعد از آن تا امروز - دارند فشار می‌آورند روی فلسطینی‌ها. خب این، حرکت نظام سلطه است؛ اسلام که نمیتواند در مقابل این ساکت بماند؛ نظام اسلامی که نمیتواند ببیند و بی تفاوت بماند. نظام سلطه مستقیماً به کشور بمباران کننده‌ی مردم یمن کمک میکند - آمریکا صریحاً، مستقیماً کمک میکند به بمباران یمن - بمباران کجا؟ بمباران جبهه‌های نبرد؟ نه، بمباران بیمارستان، بمباران بازار، بمباران مدرسه، بمباران میدان عمومی مردم؛ آمریکا کمک میکند. خب، نظام اسلامی نمیتواند بی تفاوت بماند. اینها با همدیگر دشمنند؛ در ذات خود با هم مخالفند. چطور میشود منکر این دشمنی شد؟ آمریکا بیست و هشتم مرداد راه انداخت و حکومت ملی را سرنگون کرد؛ آمریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی میکند؛ آمریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه‌ی شکنجه‌ی مردم و مبارزین [بود]؛ آمریکا در جنگ هشت ساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛

آمریکا هواپیمای مسافربری ما را سرنگون کرد؛ آمریکا سگوی نفتی ما را زد؛ آمریکا ما را تحریم کرد؛ اینها دشمنی نیست؟

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار میکند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی اش را خواهد خورد؛ کمالینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریانهای اسلامی، به خاطر مصلحت اندیشی، به خاطر عقل سیاسی - اسمش را میگذارند عقل - به خاطر تاکتیک که میگفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکاییها رفیق شدند، به آنها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی اش را خوردند و حالا دارند مصیبتهایش را تحمل میکنند. هر کسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت میکند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. ما البته دشمنهای ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمنهای کوچک هم داریم، دشمنهای حقیر هم داریم اما عمده‌ی دشمنی‌ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث - انگلیس واقعاً خبیث؛ هم در گذشته، از دوران اوایل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، [هم] بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است؛ حالا هم به مناسبت سالگرد امام، دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس علیه امام، به اصطلاح سند منتشر میکند؛ سند منتشر میکند علیه امام بزرگوار، امام پاکیزه و مطهر! سند را از کجا آورده‌اند؟ از مدارک آمریکایی! خب، آمریکایی که هواپیمای مسافری را با قریب سیصد نفر سرنگون میکند، از جعل سند ابائی دارد؟ دشمنی انگلیس‌ها این جور است - و [از سوی] رژیم منحوس و سرطانی صهیونیستی است؛ اینها دشمنهای اصلی‌اند. این دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه‌ی اقتصادی هم به ما میدهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک دارویی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط میکنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه‌ی سیاسی و نسخه‌ی اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت

در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است. این هم شاخص چهارم.

## ۵. تقوای دینی و سیاسی

شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی؛ که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است. یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ (۱۳) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمانهایی که عرض کردیم، آرمانهای اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پابند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هر کسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را شناخته است؛ هر کسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را شناخته است. قرآن به ما میگوید: **أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۱۴) عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (۱۵) اینها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرفها فرامیخوانیم، فقط یک توصیه‌ی**

عقلانی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگر چنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز نکند.

## ○ چند توصیه برای اجرای این نقشه‌ی راه:

### ۱. الگو قرار دادن امام

من چند توصیه در پایان راه عرض بکنم. در این نقشه‌ی راهی که عرض کردیم، امام الگو است؛ امام الگو است و انصافاً الگوی کاملی است. در همه‌ی این شاخصها، امام در آن سطح بالا قرار دارد. ما سالها در شکلهای گوناگون با امام معاشر بودیم و محشور بودیم؛ هم آن وقتی که در قم تدریس میکرد، هم آن وقتی که در نجف در تبعید بود، هم آن وقتی که در رأس حکومت و در قلّه‌ی اعتبار سیاسی بین‌المللی قرار داشت؛ امام را در همه‌ی این حالات دیده‌ایم؛ انصافاً در همه‌ی این شاخصهایی که گفتیم، امام در بالاترین رتبه قرار دارد. به گفتار امام و کردار امام اهتمام بورزید. این صحیفه‌ی امام را جوانهای عزیز ما بخوانند و با آن انس پیدا کنند؛ وصیت‌نامه‌ی امام را بخوانید، با وصیت‌نامه‌ی امام انس پیدا کنید، در آن تعمق بکنید. این توصیه‌ی اول.

### ۲. فراموش نکردن نقش مخرب آمریکا

توصیه‌ی دوم؛ یک تجربه‌ای ما در مذاکرات هسته‌ای پیدا کردیم؛ این تجربه را نباید فراموش کنیم. این تجربه این است که اگر ما تنازل (۱۶) هم بکنیم، آمریکادست از نقش مخرب خودش برنمی‌دارد؛ این را ما در مذاکرات هسته‌ای تجربه کردیم. ما نشستیم در جمع ۱+۵، و حتی جداگانه با آمریکایی‌ها مذاکره کردیم برای قضیه‌ی هسته‌ای؛ برادران ما، فعالان پر تلاش ما به یک نقاط مشترک رسیدند، به یک نتایجی رسیدند؛ طرف - که

آمریکا باشد - یک تعهداتی کرد؛ جمهوری اسلامی تعهدات خودش را انجام داد، [ولی] آن طرف بدقول بدعهد بد حساب دارد دبه میکند؛ تا الان دبه کرده است. خیلی خوب، این یک تجربه است، این شد تجربه. حالا خیلی ها قبل از این تجربه هم میدانستند اما بعضی هم که نمیدانستند، حالا بدانند: در هر زمینه‌ی دیگری هم که با آمریکا شما بحث و مجادله کنید، شما کوتاه بیایید، تنازل کنید، باز او نقش مخرب خودش را حفظ خواهد کرد؛ در همه‌ی زمینه‌ها: بحث حقوق بشر، بحث موشک، بحث تروریسم، بحث لبنان، بحث فلسطین؛ در هر قضیه‌ای که شما به فرض - که البته محال است - از اصول خودتان، از مبانی خودتان کوتاه بیایید، صرف نظر بکنید، بدانید او کوتاه نخواهد آمد؛ اول با زبان و بالبخند و با تبسم وارد میدان خواهد شد، بعد در عمل، کاری را که باید انجام بدهد، دبه میکند و تعهد خودش را انجام نمیدهد؛ این شد یک تجربه برای ملت ایران؛ این تجربه را مغتنم بشمرید؛ این توصیه‌ی دوم.

### ۳. لزوم همراهی و اتحاد دولت و ملت

توجه کنید، توجه کنید! توصیه‌ی سوم را توجه کنید، آن وقت یک قدری در بعضی از این شعارها ممکن است تجدید نظر بکنید. (۱۷) توصیه‌ی سوم؛ اتحاد دولت و ملت را به هم نزنید. ممکن است شما از یک دولتی خوشش بیاید، از یک دولت دیگری خوشش نیاید؛ دیگری هم از آن دولت دیگر خوشش نیاید، از این دولت خوشش بیاید؛ ممکن است، اشکالی هم ندارد. - رقابتهای انتخاباتی به جای خود، اختلاف نظرها به جای خود، حتی انتقاد هم به جای خود - اما دولت و ملت باید همه در کنار هم باشند؛ یعنی اگر در این مملکت یک حادثه‌ای رخ بدهد که تهدیدی برای کشور باشد، دولت و ملت باید همدوش حرکت کنند. (۱۸) به وجود نیاورید، کدورت به وجود نیاورید، اتحاد دولت و ملت را حفظ کنید؛ این یکی از توصیه‌های بنده است در همه‌ی دولت‌ها. در همه‌ی دولت‌هایی که بنده



بعد از رحلت امام مسئولیت داشتیم، این توصیه‌ی من بوده است؛ با اینکه دولتها سیاستهای مختلفی داشتند، جهت‌گیری‌های مختلفی داشتند لکن ملت باید با دولت همراه باشد، اتحاد را حفظ کند؛ این منافات ندارد با انتقاد کردن یا حرف زدن یا مطالبه کردن؛ اینها اشکالی ندارد؛ رقابتهای انتخاباتی به جای خود. قوای سه‌گانه هم باید با هم متحد باشند - دولت، مجلس، قوه‌ی قضائیه - باز این منافات ندارد با اینکه مجلس در قبال دولت به وظایف خودش عمل کند؛ به وظایف قانون اساسی عمل نکند؛ سؤال کند، مطالبه کند، بخواهد، قانونگذاری کند، استیضاح کند و امثال اینها؛ لکن بایستی قوا با هم همراه باشند، در مسائل اساسی کشور باید زیر یک چتر قرار بگیرند؛ همه؛ نیروهای مسلح همین جور، آحاد مردم همین جور. پس این توصیه‌ی سوم ما است: نگذارید احساسات شخصی یا احساسات جناحی یا مطلقاً احساسات، بر منطق غلبه کند. منطق این است که وقتی دشمن از دور نگاه میکند، احساس کند که اینجا یکپارچه است، احساس یکپارچگی نکند. اینکه حرفهایی زده بشود که از آن حرفها دوجریانی و دوجهتی و تخصصی و دو قطبی‌گری در داخل ملت یا در مجموعه‌ی نظام استفاده بشود، به ضرر کشور است.

#### ۴. لزوم مراقبت از سرانگشتان و کارگزاران دولت آمریکا

توصیه‌ی چهارم؛ تقابل با آمریکا، تقابل با یک جبهه است. یک جبهه‌ای وجود دارد که در قطب آن و مرکز آن آمریکا است اما امتداد آن به جاهای گوناگونی کشیده میشود؛ حتی گاهی به داخل کشور هم کشیده میشود؛ غفلت نکنید. اینکه مواظب حرکت خصمانه‌ی آمریکا باید بود، معنایش این است که مراقب همه‌ی این جبهه باشید. بدانید دشمنی فقط از ناحیه‌ی دستگاه امنیتی آمریکان نیست؛ گاهی اوقات این دستگاه امنیتی سرانگشتانی دارد که این سرانگشتان به صورت دولتهای منطقه‌ای یا جور دیگری خودشان را نشان میدهند.

## ۵. حفظ مرزها و خطوط فاصل با دشمنان انقلاب

توصیه‌ی پنجم؛ خطوط فاصل با دشمن باید در نظر باشد و برجسته باشد. نگذارید خطوط فاصل با دشمنی که با انقلاب دشمن است، با نظام دشمن است، با امام دشمن است، کمرنگ بشود. بعضی از جریانهای داخل کشور ما از این نقطه غفلت کردند، خطوط مرزی خودشان را با دشمن حفظ نکردند، [خطوطشان] ضعیف شد، کمرنگ شد؛ مثل خطوط مرزی کشور، اگر خط مرزی نباشد، از آن طرف ممکن است کسی اشتباهاً بیاید این طرف، از این طرف ممکن است کسی اشتباهاً برود آن طرف؛ خطوط مرزی را حفظ کنید.

## ۶. اعتماد به وعده‌ی نصرت الهی

توصیه‌ی ششم و توصیه‌ی آخر؛ به وعده‌ی «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (۱۹) اعتماد و اطمینان داشته باشید. ملت عزیز، جوانان عزیز! بدانید: به کوری چشم دشمن شما پیروزید. پروردگارا! امام عزیز ما را با اولیائش محشور کن. پروردگارا! شهدای عزیز ما را با شهدای صدر اسلام محشور کن. پروردگارا! خدمتگزاران به کشور را در هر جایی، هر لباسی و هر شکلی هستند، مورد هدایت و تأیید و عصمت (۲۰) خود قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! گفتار ما را، کردار ما را برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ به کرمات آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در این راه زنده بدار و در این راه بمیران.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) اقبال الاعمال، ص ۶۸۷، مناجات شعبانیّه؛ «خدایا به من ببخش کمال انقطاع به در گاهت را و روشن نمادیده‌ی دل‌های ما را به تابش نظر خود بدان.»

(۲) همان

(۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۱

(۴) سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴؛ «و راستی که تو را خویی والا است.»

(۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹؛ «پس [به برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و [پرمهر] شدی...»

(۶) شعار حصار و دعوت معظم‌له به توجه کردن به مطالب

(۷) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۳؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید» و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.»

(۸) اجرا کردن، به انجام رساندن

(۹) از جمله، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۹۵/۳/۶)

(۱۰) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]...»

(۱۱) سوره‌ی فصلت، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و میگویند]: هان، بیم مدارید و غمین م باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید...»

(۱۲) از جمله، بیانات در اجتماع بزرگ جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۳)

(۱۳) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۶؛ «... خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگها است حفظ کنید...»

(۱۴) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «... خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید...»

(۱۵) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار میکنند. و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بکنجید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

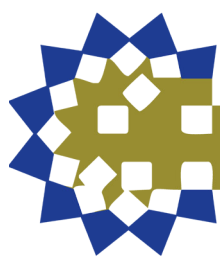
(۱۶) تمکین کردن، چشم‌پوشی کردن

۱۷) شعارهای حصار و تأکید معظّم‌له بر توجّه به توصیه سوم

۱۸) آزردگی، ستیز

۱۹) سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «...اگر خدا را یاری کنید، یاری تان میکند...»

۲۰) نگهداری، محافظت



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

**KHAMENEI.IR**